

زهرا، ماه نیر و همراه

خاطرات دختران یک مربع دینی

شیراز میانه قرن بیستم

به اهتمام:

دکتر محمد جعفر امیرمحلّاتی و دکتر شایسته شیرینمداری



زرها، ماه میرو همراه خاطرات دختران یک طرح دینی

شیراز میانه قرن، میستم

به اهتمام: دکتر محمد جعفر امیرمحللاتی و دکتر سایه شیریعتمداری

طراح جلد: سعید زاشکانی؛ امور فنی و صفحه‌آرایی: انتشارات کویر
لیتوگرافی؛ چاپ و صحافی: غزال؛ شمارگان: ۷۰۰؛ چاپ اول: ۱۳۹۹
شابک: ISBN: 978-964-214-323-8؛ قیمت: ۴۳۰۰۰ تومان

نشانی: تهران کریم‌خان زند ابتدای قائم‌مقام فراهانی کوی یکم شماره ۲۰ ساختمان کویر
کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۱ تلفن: ۸۱۳۰۱۹۹۲؛ ۹ - ۸۱۳۴۲۶۹۸ - ۸۱۳۴۲۶۹۷



Kavirbook@gmail.com



[KavirPublishingCo](#)



[Kavir.Pub](#)

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازهٔ مکتوب ناشر ممنوع است

این اثر را به روان روشن حضرت شیخ جعفر،
زهره، ماه نیر و مهر ماه، تقدیم می‌کنیم.





فهرست مطالب

۱۳	پیش‌گفتار
۱۹	مقدمه
۲۵	پیشینه‌ی خاندان
۳۹	مصاحبه‌ها
۴۱	زهره محلاتی
۴۱	شیرخوارگی
۴۱	خاطرات کودکی
۴۵	خاطراتی از پدر
۴۷	شهریه و خرج تحصیل
۴۷	معلم‌سرخانه و هنرستان
۴۸	معلمی
۴۹	ادامه‌ی تحصیل
۴۹	رفتن به دانشگاه
۵۰	قریحه‌ی شعر
۵۳	ماه‌منیر محلاتی
۵۳	تولد
۵۳	شیرخوارگی، با دایه
۵۵	خانه‌ی ما
۵۶	خاطرات کودکی

- ۵۷ مدرسه، در زیرزمین
- ۵۷ خدمت‌کاران
- ۵۹ شازده؛ الآغ آقام
- ۶۰ رفتن به مسجد
- ۶۲ خانه، پُر از صدای اذان
- ۶۲ برات روضه
- ۶۳ هم‌بازی آقامجدی
- ۶۴ روز اوّل دبستان
- ۶۴ دفتر انشاء
- ۶۶ آژان و روسری
- ۶۶ خاطراتی از پدر
- ۷۴ دو داداش بزرگ‌تر ما
- ۷۶ خدا که هست و می‌بیند
- ۷۶ خواهران شوخ من
- ۷۷ دبیرستان، در خانه
- ۷۸ هنرستان
- ۷۹ معلّمی
- ۸۱ ازدواج
- ۸۳ مهرماه محلّاتی
- ۸۳ تولّد من و سجده‌ی شکر پدر
- ۸۴ خانه‌ی ما
- ۸۵ در خانه‌ی دایه
- ۸۷ خاطرات کودکی
- ۹۸ خاطراتی از پدر

۱۰۵ آمیز ابراهیم، عموی پدرم
۱۰۷ فوت پدر
۱۰۹ علت فوت پدر
۱۰۹ آرامگاه پدر
۱۱۰ مهر قلبی پدر به من
۱۱۰ مادر خوش‌روحیه‌ی ما
۱۱۱ خاطراتی از سفر به مهارلو
۱۱۸ هنرستان دختران، و هنرهای دستی ما
۱۱۹ اعتراض‌های ما در هنرستان
۱۲۱ تنگی معاش و تصمیم بر معلمی
۱۲۲ تدریس در دبستان، و تصمیم به ادامه تحصیل
۱۲۳ ادامه تحصیل، و معلم‌های سرخانه
۱۲۵ حجاب و اخراج از امتحان شیمی
۱۲۶ مراجعه به دکتر حسابی
۱۲۷ تحصیل در دانشگاه
۱۲۸ تب لیم
۱۲۹ رد کردن خواستگار
۱۳۰ ماجرای احضار روح پدرم
۱۳۱ دانشگاه تهران و اساتید معروف
۱۳۳ استاد درس زبان اوستا
۱۳۵ ضمایم
۱۳۷ مدارس دخترانه، در دوره‌ی پهلوی اوّل / محمد برکت
۱۴۲ تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها، در مدارس دختران

- ۱۶۳ بررسی مدارس دخترانه‌ی فارس، در اواخر عصر قاجار / شهزاد شاه سنی
- ۱۶۳ مقدمه
- ۱۶۴ جایگاه اجتماعی زنان، در عصر قاجار
- ۱۶۶ جنبش مشروطیت، و طرح مطالبات اجتماعی زنان
- ۱۶۸ نقش پردازش‌های دینی، در طرح مطالبات اجتماعی زنان
- ۱۶۹ تأکید بر نقش مادری
- ۱۷۰ تأکید بر پیشینه‌ی تاریخی حضور زنان، در عرصه‌ی اجتماع
- ۱۷۰ آموزش دختران، قبل از جنبش مشروطیت
- ۱۷۳ عوامل مؤثر در تأسیس مدارس دخترانه، در عصر قاجار
- ۱۷۳ ۱- آشنایی با فرهنگ و تمدن و نهادهای آموزشی اروپاییان
- ۱۷۳ ۲- روزنامه‌ها
- ۱۷۵ ۳- حامیان آغازین تحصیلات جدید دختران
- ۱۷۷ ۴- فعالیت میسیونرهای مذهبی و گسترش مدارس جدید
- ۱۷۸ نقش مجلس شورای ملی، در تأسیس و توسعه‌ی مدارس دخترانه، به سبک جدید
- ۱۸۰ نقش رؤسای اداره‌ی معارف فارس، در تأسیس و توسعه‌ی مدارس دخترانه
- ۱۸۱ تأسیس مدارس دخترانه، در اواخر عصر قاجار
- ۱۸۱ تأسیس مدارس دخترانه‌ی فارس، در اواخر عصر قاجار
- ۱۸۲ مدرسه‌ی بنات
- ۱۸۲ مدرسه‌ی تربیت بنات
- ۱۸۳ مدرسه‌ی عفتیه
- ۱۸۳ مدرسه‌ی فاطمیه
- ۱۸۳ مدرسه‌ی ادب بنات
- ۱۸۴ مدرسه‌ی عصمتیه
- ۱۸۵ نتیجه‌گیری

۱۸۶.....	منابع
۱۸۷.....	درباره‌ی دختران شیخ جعفر
۱۸۷.....	زینت‌السَّماء، اولین دختر ماه‌جبین خانم و آیت‌الله
۱۸۸.....	رفعت‌الزمان
۱۸۹.....	کوکب‌الصباح
۱۹۰.....	زهرا
۱۹۱.....	شکوه‌الزمان
۱۹۲.....	ماه‌منیر
۱۹۳.....	مهرماه
۲۰۱.....	بزرگانسانی هنرمند؛ علی محمد ایران‌مهد
۲۰۴.....	نامه به آقای دکتر محمدجعفر امیر محلاتی
۲۰۷.....	تصاویر

پیش‌گفتار

محمدجعفر امیر محلاتی^۱

«طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» / پیامبر اکرم (ص)

چه زن، چه مرد، کسی شد بزرگ و کامروا که داشت میوه‌ای از باغ علم، در دامان پروین اعتصامی

قرن بیستم، در ایران و بسیاری از دیگر کشورهای اسلامی، از نظر انقلاب در آموزش و پرورش، به‌ویژه آموزش زنان، نقطه‌ی عطف به حساب می‌آید. همان‌گونه که شاه‌سَنی، در مقاله‌ای از کتاب حاضر، اشاره می‌کند؛ پدیده‌ی آموزش و پرورش زنان، و مدارس زنانه، مربوط به اواخر دوره‌ی قاجار، و بعد از نهضت مشروطیت است. امتیاز این تحول، در درجه‌ی اول، مدیون فرهیخته‌زنانی است که در تأسیس مدارس آموزش زنان، کمر همّت بستند؛ و علی‌رغم مشکلات، و نگاه بسته‌ی سنتی، بنایی بنیاد نهادند که امروزه، می‌توان از آن به‌مثابه یک تحول تمدنی، و موجب تغییر پارادایمی، نام برد.

۱- محمدجعفر امیر محلاتی استاد الهیات صلح دانشگاه اوپلین، ایالات متحده و استاد افتخاری دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

از میان حامیان دیگر این تحوّل تمدّنی، باید از علماء بزرگ بلاد، و مراجع روشن‌بین یاد کرد؛ که نه‌تنها، تحت‌عنوان دفاع از سنّت اجتماعی و دینی، مانع از تأسیس این مدارس نشدند؛ بلکه، این مدارس را، مورد حمایت قرار داده؛ و حتّی، خود، اقدام به تأسیس آن‌ها نمودند. در میان این علمای علم‌پرور در فارس و شیراز، نام میرزا ابراهیم و شیخ جعفر محلّاتی - که هر دو، از مراجع بزرگ فارس، در قرن بیستم بودند - و نیز، شیخ یوسف حدائق، در رأس فهرست حامیان آموزش نوین برای زنان، برجستگی دارد. این عالمان روشن‌بین، نه‌تنها حامی تأسیس مدارس برای زنان بوده؛ بلکه، خانواده‌ی خود را، در امر آموزش و پرورش، تشویق می‌کردند؛ و در نتیجه، دختران هر دو بیت بزرگ روحانی، در میانه‌ی قرن بیستم، همه، تحصیلات عالی داشته؛ و به‌نوعی، مظاهر زنده‌ی آن تغییر پارادایمی مورد اشاره بودند.

کتاب حاضر، سرگذشت سه‌تن از این بانوان است؛ که در نوع خود، بی‌نظیر است؛ زیرا، از بیوت مراجع بزرگ، کم‌تر، صدای زنانه - در ژانر ادبی خاطرات - به‌چشم می‌خورد. اهمّیت عمده‌ی این کتاب، بیش‌تر در این است که خوانندگان را، با تلاش‌های عظیم و سترگ این بانوان، در امر آموزش و پرورش، در میانه‌ی قرن بیستم، آشنا می‌کند. کم‌بود منابع مالی، فقدان حمایت اجتماعی از آموزش زنان در این دوره، زندگی دشوار اندرونی خانه‌ی یک مرجع - که به‌طور ویژه، از مصرف وجوهات شرعی، در امر شخصی، به‌شدّت و با وسواس، اجتناب می‌کرد - چهارچوب محدود زندگی سنّتی زنان در قالب ازدواج، محدودیت مؤسسات آموزشی برای زنان، و انواع و اقسام دیگر دشواری‌هایی که فراروی این زنان قرار داشته، و در لابه‌لای گفتار ایشان، مشاهده می‌شود، و این‌که، همه‌ی این محدودیت‌ها، نتوانسته بر اراده‌ی پولادین این بانوان، در دانش‌آموزی و دانش‌افزایی، فائق آید؛ اهمّیت کتاب حاضر را، بیش‌تر نشان می‌دهد.

آنچه بیش‌تر موجب شگفتی است، این است که نسل بعدی بانوان بیوت آیت‌الله‌ها، از همین خاندان‌های نام‌برده، به دلیل کشف حجاب دولتی، از تحصیلات عالیّه محروم ماندند؛ و خسارت بزرگی را تحمّل نمودند؛ و تا آخر عمر، تأسّف خوردند.

این‌که حجاب، یا فقدان آن، در هر فرهنگ و هر جغرافیایی، به‌خاطر مهندسی‌های دولتی اخلاق و آداب اجتماعی، مانع تحصیل زنان شود؛ جدّاً، تأسّف‌بار است.

به‌هرحال، کتاب حاضر، شاهد گویایی است بر این‌که در تاریخ فارس، ره‌بران روشن‌بین دینی، نه مانع؛ بلکه، مشوّق تحصیلات عالیّه‌ی زنان بوده‌اند؛ تاحدی‌که، آخرین دختر شیخ جعفر محلّاتی، یعنی مهرماه محلّاتی، در دانشگاه تهران، شاگرد استاد فروزان‌فر می‌شود.

اما، داستان این کتاب...

چندسال پیش، راقم این سطور، متوجّه اهمّیت تحصیلات عالیّه‌ی عمّه‌های ارج‌مند پدر خود شدم؛ و این‌که آن‌ها، در نسل خود، عوامل یک تغییر پارادایمی بوده‌اند. از میان هشت دختر مرحوم شیخ، هنوز سه‌نفر در قید حیات بودند، که نام‌شان، بر جلد این کتاب است. فرزند یکی از این بانوان^۱، یعنی خانم دکتر شایسته شریعتمداری، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد شیراز، داوطلب شدند که با مادر خود، و دو خاله‌ی دیگر، مصاحبه کنند؛ و خاطرات ایشان را، بی‌دخّل و تصرف، ثبت و ضبط نمایند. به‌همّت عالی ایشان، این کار، به‌نحوی انجام گرفت، که حاصل آن، در کتاب حاضر، تقدیم می‌شود.

در گام بعدی، لازم بود که این خاطرات، در چهارچوب تاریخی و جغرافیایی خود قرار گیرد. از این‌رو، از سرکار خانم دکتر شاه‌سنی، استاد دانشگاه شیراز، درخواست کردم

۱- مرحومه، ماه‌نیر محلّاتی (شریعتمداری).

که تاریخ‌چهی مختصری از نظام آموزش و پرورش جدید در ایران و شیراز، به کتاب حاضر، هدیه کنند؛ و سپس، از دانش‌مند ارج‌مند، حجّت‌الاسلام‌والمسلمین برکت، مدیر مدرسه‌ی علمیه‌ی امام عصر، درخواست کردم که در تکمیل مقاله‌ی نخست - که بیش‌تر به دوران قاجاریّه پرداخته - مقاله‌ای پیرامون اوضاع آموزش و پرورش، در اوایل عصر پهلوی، تهیّه فرمایند؛ تا خوانندگان کتاب، در پیش‌زمینه‌ی تاریخی آن، ملاحظه نموده؛ و به اهمّیت خاطرات بانوان خانه‌ی یک آیت‌الله، در میانه‌ی قرن بیستم، پی ببرند. خانم شیرین آیت‌الله‌زاده، برادرزاده صاحبان خاطرات نیز، با شناخت دقیق و نزدیکی که از عمه‌های خویش داشتند، با قلمی شیوا، نور معرفتی بر زندگی جالب و درس‌آموز آن بانوان افکندند؛ و بر غنای کتاب افزودند. در بخش آخر کتاب نیز، تصویری از مدارج تحصیلاتی هر سه بانو، آمده است. از همه مهربان یاران فوق‌الذکر نهایت سپاسگزاری را دارم.

آقای محمدجواد مظفر، مدیر فاضل انتشارات کویر، نشر این اثر را به‌عهده گرفتند؛ و از آن‌جاکه با خاندان هر سه بانو، آشنایی دقیق و نزدیک داشته‌اند؛ کتاب را، در نوع خود، منحصر به فرد دانسته؛ و بر اهمّیت آن، تأکید داشته‌اند.

هم‌اکنون که این کتاب آماده به انتشار می‌شود، اوضاع اجتماعی و آموزشی ایران، با سال‌های میانی قرن بیستم، تفاوت آشکاری دارد. اکنون، اکثریت دانش‌جویان دانشگاه‌های ایران را، زنان تشکیل می‌دهند. اکنون، کم‌تر کسی از حوزه‌های علمیه، با تحصیلات علوم جدید برای بانوان، مخالفت می‌ورزد؛ و اکنون، اشتغال بانوان در حوزه‌ی فعالیت‌های اجتماعی، با کم‌تر مقاومتی از جانب محافظان سنت‌های اجتماعی مواجه است. این‌که دختران یک مرجع دینی، به تحصیلات دانشگاهی بپردازند؛ و هنر و ادب را، در مدارس، تدریس کنند؛ اکنون، تعجّب هیچ‌کس را بر نمی‌انگیزد. درست به‌همین دلیل، شایسته است، نسل حاضر از بانوان، که به‌راحتی، رشته‌های موردعلاقه‌ی خود را در مؤسسات آموزشی دنبال می‌کنند، توفیق و آزادی خود را، مدیون کسانی از

مراجع گذشته، و بانوان بیت ایشان بدانند؛ که از هر دو سو، برای احراز این آزادی، برای تأسیس مدارس نظام جدید آموزشی، و برای کشف استعداد های علمی و حرفه‌ای بانوان، مجذانه و فداکارانه، تلاش کرده‌اند؛ و در امر توسعه‌ی دانش، و برافکندن تبعیضات آموزشی، و تأسیس نهادهای پرورشی، برحسب افق گسترده‌ی بینشی خود، جهاد نموده‌اند. دامنِ دانشی بانوان، پرورنده‌ی دانشی مردان و زنانی است که آینده‌ی به‌تری را برای نسل بشر نوید می‌دهند. نگارنده، خدای را شاکر است که به مدد خویشان و دوستان ارجمند، به توفیق انتشار این اثر دست یافت؛ و یاد سه دختر بیت یک مرجع دینی، و پدر روشن‌بین و دانش‌پرور ایشان را، بدین وسیله، گرامی داشت.

۳۰ دی‌ماه ۱۳۹۸ - شیراز

محمدجعفر امیر محلاتی

مقدمه

منزلت زن در اسلام - شایسته شریعتمداری^۱

در جهان امروز، با رواج موج سوّم فمینیسم، ازسویی؛ و تداخل دیدگاه‌های عرفی و دینی، ازسوی دیگر؛ امکان تشکیل و رشد باورها و عقاید نادرست درباره‌ی موقعیت و ارزش زن در دین اسلام، به‌راحتی فراهم می‌آید؛ و گاه، منزلت والا و ارزش حقیقی زن، در این دین مبین، نادیده گرفته شده؛ و حتی، انکار می‌شود. نگارنده، بر این باور است که برای قضاوت دقیق و علمی در این زمینه، ابتدا باید میان عقاید دینی و باورهای عرفی، فرق نهاد. درست است که سالیان دراز، در جوامع سنتی، بسی ناروایی‌ها، محدودیت‌ها، و جفاها، بر زنان رفته است؛ اما به‌نظر نویسنده، این‌ها همه ناشی از عقاید عرفی و رفتارهای نادرست مبتنی بر عرف رایج در این جوامع است؛ و ریشه در منابع اصیل اسلامی و عقاید ناب دینی، ندارد. چه، با مراجعه به متون اسلامی، یعنی آیات و روایات؛ و نیز، دقت در سیره و روش عالمان دینی، و شیوه‌ی اسلام‌شناسان حقیقی، واقعیتی خلاف این پندار، نمایان می‌شود.

۱- دکتر شایسته شریعتمداری، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.

اگر نتیجه‌ی نخستین موج فمینیسم در اروپای قرن نوزدهم، دستیابی زنان به حقوق اولیه، از قبیل حق مالکیت بر اموال خود، حق ارث بردن از خویشان، و حق رأی دادن بود؛ این حقوق، از صدر اسلام، برای زنان، ثابت و مقرر بود. بر حسب آیات قرآن مجید:

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ»^۱ «زنان، مانند مردان، از خویشاوندان، ارث می‌برند».

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»^۲ «زنان، درست مانند مردان، مالک دست‌آوردهای خویش‌اند».

سابقه‌ی رأی دادن زنان، در تاریخ اسلام، به عصر رسالت می‌رسد؛ زمانی که انتخاب رهبر، به صورت «بیعت کردن»، انجام می‌شد؛ و بیعت معادل گزینش و رأی در انتخابات امروزی بود. از جمله بیعت‌های مهم و تاریخی زنان در صدر اسلام، بیعت با پیامبر^(ص)، هنگام فتح مکه^۳ و بیعت با حضرت علی، در واقعه‌ی غدیر، برای اعلام گزینش وی به ولایت بود.

در اسلام، زن، از حقوق اقتصادی و هویت اجتماعی ویژه‌ای برخوردار است؛ و بر حسب اذعان بسیاری از حقوق‌دانان آگاه، در ازدواج اسلامی، حقوق قائل شده برای زن یا زوجه، و حمایت‌های اقتصادی از وی، بسی بیش از حقوق مرد یا زوج است. میان سخنان به‌جامانده از پیامبر اسلام^(ص)، احادیث مربوط به کرامت انسانی زن، بزرگداشت فرزند دختر، و لزوم اکرام و محبت به آن‌ها، در نوع خود، بی‌نظیراند؛ و

۱- [نساء (۴) : ۸].

۲- [نساء (۴) : ۳۲].

۳- [ممتحنه (۶۰) : ۱۲].

از نظر تضاد با عرف رایج در جامعه، به نوعی، معجزه‌ی اسلام محسوب می‌شود. در این جا، به ذکر دو حدیث، اکتفا می‌شود:

«حَسَنُوا أَخْلَاقَكُمْ، وَالطَّفُوا بِجِيرَانِكُمْ، وَأَكْرَمُوا نِسَاءَكُمْ، تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۱ «اخلاق‌تان را نیک کنید؛ به هم‌سایه‌های‌تان، لطف و مهربانی کنید؛ و زن‌های‌تان را، بزرگ دارید تا بی حساب وارد بهشت شوید».

«خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَيْئِمٌ»^۲ «به‌ترین شما، به‌ترین‌تان برای خانواده‌اش است؛ و من، به‌ترین شما برای خانواده‌ام هستم. جز مرد شریف، زنان را گرامی نمی‌دارد؛ و جز مرد پست، به آنان توهین نمی‌کند».

علاوه بر رفتارهای کرامت‌آمیز، تسامح‌وار، و مهربانانه‌ی پیام‌بر^(ص) با زنان و دختران‌اش - که شرح آن در کتب سیره و سنن‌النبی، به تفصیل آمده است - حدیث اخیر، از لحاظ بیان اصل روان‌شناسی «فراکنی خصوصیات درونی افراد، در رفتارهای بیرونی آن‌ها»، فوق‌العاده است؛ و تأثیر و ردّپای این حدیث را به خوبی، در شیوه‌های رفتاری و مراوده‌ی عالمان دینی و اسلام‌شناسان راستین، با زنان و دختران‌شان، تاحدّ زیادی، می‌توان مشاهده نمود، رفتارهایی که می‌تواند برخاسته از آگاهی و شناخت دقیق آنان از متون اصیل اسلامی، و آشنایی با سیره‌ی پیام‌بر^(ص) باشد؛ و نمونه‌ای کامل، و شاهده‌ی زیبا، از آن‌را، در نوع رفتار و تربیت روحانی بزرگ، مرحوم، آیت‌الله شیخ جعفر محلاتی، نسبت به هم‌سر و دختران‌اش، می‌توان دید.

عزّت و احترام، ملاطفت و محبّت، تسامح، تحمل، و اهتمام به تحصیل و تربیت، از جمله ویژگی‌های رفتاری این پدر روحانی، با دختران‌اش است. استفاده از القابی

۱- اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۹۶.

۲- نهج الفصاحه، ص ۴۷۲، ح ۱۵۲۰.

بس احترام‌آمیز، در نامه‌ای که برای شمس‌الضحی، مهین دخترش، نگاشته بود؛ حمایت پُرشور و غیرت‌مندش از مهرماه، کِهین دخترش، در برابر پسرش که دست بر خواهر کوچک‌اش بلند کرده بود؛ نوازش ملاطفت‌آمیز پیشانی ماه‌منیرِ خردسال، به‌منظور بیدار کردن‌اش برای نمازصبح، همراه با کلماتی مهرآمیز؛ سعه‌ی صدر، و تحمل توأم با احترام‌اش در برابر بانو کوکب‌الصباح، دختر میانی‌اش، که با جوّ زمانه، مدرن شده بود؛ شب‌های بی‌قراری و بی‌خوابی در کنار بستر بیماری مهرماه ۶ ساله، که از درد چشم، بی‌تاب بود؛ و بسیاری موارد دیگر، که خوانندگان عزیز این کتاب، در خاطرات دختران آیت‌الله، خود، ملاحظه خواهند کرد؛ گواه بر این مدعا است.

همان‌طور که در پیش‌گفتارِ دکتر محمدجعفر امیر محلّاتی بر این کتاب آمده است، این توفیق، نصیب نگارنده شد، که در راستای پیش‌نهاد ایشان، با سه فرزند دخترِ بانو ماه‌جبین و آیت‌الله - که در حال حاضر، چشم از جهان فرو بسته‌اند - به مصاحبه پردازم. حاصل این مصاحبه‌ها، علاوه بر مصاحبت و سپری کردن ساعاتی خوش در کنار مادر عزیزم، بانو ماه‌منیر، و خاله‌های گرامی‌ام، بانوان مهرماه و زهرا، دست یافتن به آگاهی و شناختی جدید از شیوه‌ی تربیت و نحوه‌ی رفتاری یک عالم دینی اصیل، و اسلام‌شناسی حقیقی، با فرزندان دخترش بود. به‌خصوص، از جهت حمایت او از حقوق ایشان، و ادای آن در جامعه‌ی عوام‌زده‌ی آن روز؛ جامعه‌ای که هنوز، در آن، وقتی مردی، خبر تولّد متوالی فرزندان دختر را می‌شنود، از شدّت ناراحتی، دگرگون حال و خشمناک، خانه را ترک می‌گوید؛ یا حتّی، دیده شده، به ازدواج‌اش پایان می‌دهد؛ رفتاری که، بی‌شبهت به دوران «جاهلیّت» نیست و در آیات ۵۸ و ۵۹ سوره‌ی نحل (۱۶)،^۱ به آن اشاره شده است:

۱- «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ؛ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ».

«و چون یکی از آن‌ها را، به تولد دختر، بشارت دهند؛ صورت‌آش سیاه گردد؛ درحالی‌که، خشم، گلویش را می‌فشارد. از بدی بشارتی که به او داده شده است، از میان قبیله‌ی خود، متواری می‌شود؛ و نمی‌داند، او را، با سرافکندگی نگاه دارد؛ یا [زنده]، زیر خاک‌آش نهان سازد. هان! که چه بد قضاوت می‌کنند».

حال آن‌که، حضرت آیت‌الله شیخ جعفر محلّاتی، پدربزرگم، که عامل به اسلام اصیل و راستین بود؛ روزی که وارد خانه می‌شود و می‌شنود هم‌سرش بانو ماه‌جبین، آخرین فرزند و هفتمین دخترشان، مهرماه را به دنیا آورده است؛ برای نزول رحمت از جانب خداوند، این‌بار نیز، چون زمان تولد دگر دخترانش، سر به سجده‌ی شکر می‌نهد؛ و با شوق، نوزاد دخترش را، در آغوش می‌گیرد.

آیت‌الله، پدری است که یک‌قرن پیش، دختران‌آش را به مدارس ابتدایی تازه‌تأسیس فرستاد؛ و حتی قبل از تأسیس این مدارس، برای آنان، معلم‌سرخانه می‌آورد؛ و این اقدام، باعث شد که قُبْح تحصیل دختران، نزد مؤمنان، شکسته شود؛ و مریدان‌آش، به پی‌روی از مرجع دینی خود، اجازه دهند، دختران‌شان، به مدرسه روند.

باری؛ شنیدن این خاطرات، موجب شناخت هرچه بیش‌تر من از شخصیت پدربزرگ مادری‌آم می‌شد؛ و مهر و ارادت‌آم به ایشان، افزون می‌شد. و هنگام شنیدن آنها از شور و شغفی خاص، لبریز می‌شدم؛ از حسّی افتخارآفرین، که پدربزرگی چنین پیش‌رو و روشن‌فکر داشتم؛ که هرچند، سعادت دیدارش را نداشتم؛ اما، سایه‌ی نیک تربیت و تعلیمات‌آش را، از طریق مادرم، همواره، احساس می‌کردم.

آری؛ با شنیدن خاطرات زهرا، ماه‌منیر، و مهرماه، بر خود می‌بالیدم؛ که نواده‌ی چنین نیایی، و از خانواده‌ی روحانی‌تباری هستم.

یادشان را گرامی می‌دارم؛ و عُلُوّ درجات الهی را، برای‌شان، آرزو می‌کنم.

ای فروغ ماه حُسن، از روی رخشان شما
آب‌روی خوبی، از چاه‌زنخندان شما
عمرتان باد و مراد، ای ساقیان بزم جم
گرچه، جام ما نشد پُرمی، به‌دوران شما

آذر ماه ۱۳۹۸ - هیوستون

شایسته شریعتمداری